

Analysis and Critique of Ruth Roded's Conceptualization of Lady Fāṭima (AS)¹

Shahla Bakhtiari²

Mahdieh Poursaleh Kachoumesqali³

(Received on: 2022-06-10; Accepted on: 2022-10-16)

Abstract

Studying and researching important and influential Islamic figures is one of the areas of interest for Islamic scholars. Lady Fāṭima (AS, as a woman who holds a special status in relation to the women of the early Islamic era in the eyes of the Prophet (SAWA), and about whom numerous narrations exist in Sunni and Shi'a sources, has attracted the attention of some researchers. Ruth Roded, a Jewish Orientalist, has focused on Lady Fāṭima (AS) in her research on the presence of women in the book *al-Ṭabaqāt al-Kubrā*. She calls the transmission of the Prophet's lineage through her the "Fāṭima Syndrome" and introduces her as a sacred—legendary—figure who plays a marginal role in the history of Islam. This article seeks to analyze and critique Ruth Roded's conceptualization using content analysis and relying on library resources. The aim of this article is to answer the question of what factors have been effective in creating this conceptualization. Studies show that neglecting Sunni and Shi'a historical, hadith-oriented, and commentary sources, as well as relying on the research of her contemporaries and some reports without documentation, have been effective in Roded's conceptualization.

Keywords: legend, Lady Fāṭima (AS), Ruth Roded, Fāṭima Syndrome

-
1. This article is derived from: Mahdieh Poursaleh Kachoumesqali, "A Critical Examination of the Orientalists' View of Lady Fāṭima (AS): A Fictional Character versus a Real Character," Master's Thesis, Supervisor: Shahla Bakhtiari, Faculty of Literature, AlZahra University, Tehran, Iran, 1401 SAH/2022.
 2. Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature, AlZahra University, Tehran, Iran (Corresponding Author). Email: Sh.bakhtiari@alzahra.ac.ir
 3. Master's Graduate in Islamic History, Faculty of Literature, AlZahra University, Tehran, Iran. Email: M.Poursaleh@student.alzahra.ac.ir

واکاوی و نقد انگاره‌سازی روث رود در باره شخصیت حضرت فاطمه علیها السلام^۱

شهلا بختیاری^۲

مهدیه پورصالح کچومثقالی^۳

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۲۴]

چکیده

مطالعه و پژوهش پیرامون شخصیت‌های مهم و تأثیرگذار اسلامی یکی از حوزه‌های علاقه‌مندی اسلام‌شناسان است. حضرت فاطمه علیها السلام به عنوان بانویی که شأن و منزلت ویژه‌ای نسبت به زنان صدر اسلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله دارد و روایات متعددی در منابع اهل سنت و شیعیان درباره ایشان وجود دارد، مورد توجه برخی از محققان قرار گرفته است. روث رود، مستشرق یهودی، ضمن پژوهشی درباره حضور زنان در کتاب الطبقات الکبری، به حضرت فاطمه علیها السلام توجه کرده است. وی انتقال نسب پیامبر صلی الله علیه و آله از طریق آن حضرت را «سندرم فاطمه» می‌نامد و ایشان را شخصیتی مقدس - افسانه‌ای - معرفی می‌کند که نقش حاشیه‌ای در تاریخ اسلام دارد. این نوشتار می‌کوشد تا با روش تحلیل محتوا و اتکا بر منابع کتابخانه‌ای، انگاره‌سازی روث رود را واکاوی و نقد کند. هدف این مقاله پاسخ به این سؤال است که چه عواملی در ایجاد این انگاره مؤثر بوده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد توجه نکردن به منابع تاریخی، حدیثی و تفسیری اهل سنت و شیعیان و همچنین تکیه بر تحقیقات هم‌عصران خود و برخی گزارش‌های بدون سند، در انگاره‌سازی روث رود مؤثر بوده است.

کلیدواژه: افسانه، حضرت فاطمه علیها السلام، روث رود، سندرم فاطمه

۱. این مقاله برگرفته از: مهدیه پورصالح کچومثقالی، «بررسی انتقادی دیدگاه مستشرقان نسبت به حضرت فاطمه (س): شخصیت خیالی در برابر شخصیت واقعی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، استاد راهنما: شهلا بختیاری، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران، ۱۴۰۱، است.

۲. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران (نویسنده مسئول) Sh.bakhtiari@alzahra.ac.ir

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تاریخ اسلام، دانشکده ادبیات، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

مقدمه

مستشرقان در همان آغاز کار استشرق، به قرآن و سنت نبوی و اهل بیت پیامبر (ع) اهتمام خاصی داشته‌اند و آثار بسیاری درباره آن ارائه کرده‌اند (کریمی‌نیا، ۱۳۸۶ ش: ص ۱۴). یکی از شخصیت‌هایی که در قرون اخیر به دلیل جایگاه ویژه نزد پیامبر (ع) (ابن حنبل، ۱۴۱۶ ق: ج ۲، ص ۱۷-۱۸) و تفسیر برخی آیات مبنی بر مقام ولای ایشان (طباطبایی، بی تا: ج ۱۶، ص ۳۱۲) مورد توجه اسلام‌پژوهان قرار گرفته، حضرت فاطمه (ع) است. روث رودد^۱ مستشرق یهودی نیمه‌بازنشسته گروه اسلام و تاریخ خاورمیانه از دانشگاه عبری اورشلیم است که در زمینه تاریخ اجتماعی و فرهنگی خاورمیانه فعالیت می‌کند و بیش از دو دهه است که زنان و جنسیت را موضوع پژوهش خود قرار داده است. وی در حال حاضر بر روی فمینیسم دینی اسلامی و یهودی-شباهت‌ها، موازات و تعاملات- متمرکز شده است. او پژوهشی درباره حضور زنان در کتاب الطبقات الکبری با عنوان «زنان در مجموعه بیوگرافی اسلامی ابن سعد»^۲ انجام داده که تنها می‌توان گفت کمتر از یک صفحه را به معرفی حضرت فاطمه (ع) اختصاص داده و انتقال نسب پیامبر (ع) از طریق حضرت را «سندرم فاطمه» نامیده و آن را جاه‌طلبی سیاسی حضرت علی (ع) و فرزندانشان تلقی می‌کند. وی شخصیت اثرگذار تاریخی در صدر اسلام برای حضرت قائل نبوده و بر این عقیده است که در قرون بعدی شخصیتی معنوی از ایشان توسط شیعیان پرورش یافته و ایشان را افسانه‌ای مقدس‌گونه تلقی می‌کند. رودد تنها به کتاب طبقات الکبری از منابع متقدم اهل سنت، تحقیقات هم‌عصران خود و برخی گزارش‌های بدون سند استناد کرده است (Roded, 2018: 30). بنابراین این پژوهش با نگاه نقادانه به دنبال کسب پاسخ به این سؤال است که چه عواملی در ایجاد این انگاره‌سازی مؤثر بوده است.

از آنجایی که مطالعه مستقلی در مورد بررسی انگاره‌های این مستشرق درباره حضرت فاطمه (ع) صورت نگرفته و با توجه به جایگاه حضرت در بین مسلمانان، موشکافی این قبیل تحلیل‌ها و

1. Ruth Roded

2. R. Roded, *Women in Islamic Biographical Collection: From Ibn Sa'd to Who's who*, USA, Gorgias Press, 2018.

آشکارشدن مسائل، از اهمیت بسزایی برخوردار است. روش این پژوهش، «تحلیل محتوا»^۱ است که تکنیکی پژوهشی است به منظور استنباط تکرارپذیر و معتبر از داده‌ها که در مورد متن به کار می‌رود (کرپیندروف، ۱۳۹۰: ش: ص ۲۵). تحلیل محتوا، فنی است که توصیف‌های ذهنی و تخمینی را تلطیف و تصفیه می‌کند و ماهیت و قدرت نسبی محرک‌هایی را که به شخص داده می‌شود، به صورت عینی آشکار می‌سازد (باردن، ۱۳۷۵: ش: ص ۳۵). بنابراین هدف این تحلیل، فراهم آوردن شناخت و بینشی نو در به تصویرکشیدن واقعیت و راهنمای عمل است. از این رو در این پژوهش ابتدا براساس داده‌ها و کلمات به کاررفته در متن مذکور، شاخصه‌گذاری صورت گرفته، سپس برای نظم و تسهیل در بررسی، حوزه‌بندی شده است. در پایان، حوزه‌ها و تحلیل‌های ارائه شده، براساس منابع کتابخانه‌ای واکاوی و نقد می‌شود.

۱. طرح انگاره روژد در باره حضرت فاطمه علیها السلام

ابتدا برای روشن شدن موضوع باید، مفهوم‌یابی مختصری درباره «انگاره» صورت پذیرد. انگاره در لغت به معنای پندار، تصور، فکر و خیال (افسانه و سرگذشت) است (عمید، ۱۳۷۹: ج ۱، ص ۲۵۴). انگاره در زبان انگلیسی معادل پیش فرض‌های ذهنی، تصویر یا خودپنداشت آمده است (Garro, 2000: 296). بنابراین انگاره، تصویری ذهنی است که بسیار نامحسوس و پنهان است؛ طوری که می‌تواند تأثیر مستقیم و شگرفی بر قضاوت‌ها و افعال انسان‌ها داشته باشد و به صورت بینش و عقیده آنها بروز پیدا کند. در نگاشته روژد سه انگاره «افسانه بودن و تقدس حضرت فاطمه علیها السلام»، داشتن نقش حاشیه‌ای در تاریخ اسلام و سندرم فاطمه»، شاخص شده است.

شاخصه اول: در نظر روژد وجود برخی افسانه‌ها و معجزات، حضرت را به یکی از زنان غالب در روایات اسلامی تبدیل کرده که شخصیت تاریخی و افسانه‌ای این بانو را شکل می‌دهد. وی این موضوع را باتکیه بر نظر لورا وچیاوالیری ارائه می‌دهد. او شخصیت معنوی حضرت را در منابع شیعی،

افسانه‌ای مقدس‌گونه تلقی می‌کند و ایشان را فراتر از منشأ قداست و بالاتر از یک شخصیت مقدس که پرورش دهنده قداست است، قلمداد می‌کند و درک آن را دشوار می‌داند (Roded, 2018: 30).

شاخصه دوم: رودد با تحلیلی کوتاه، به دلیل پراکندگی اطلاعات در منابع تاریخی درباره شخصیت حضرت فاطمه علیها السلام و بر پایه این پیش‌فرض که ایشان نقشی حاشیه‌ای و منفعلانه در حوادث آغازین اسلام - در مقایسه با عایشه - داشته‌اند، بدون ارائه مدرک یا مستندی، نتیجه می‌گیرد که حضرت فاطمه علیها السلام تأثیر چندانی در تحولات آن دوره نداشته‌اند (Roded, 2018: 30).

شاخصه سوم: وی اعتقاد به انتقال نسب پیامبر صلی الله علیه و آله از طریق حضرت فاطمه علیها السلام را «سندرم فاطمه»^۱ می‌نامد و این نظر را بدون هیچ استدلال علمی بیان می‌کند. همچنین با استناد به سخن یکی از هم‌عصران خود، شارون^۲، این انتقال را جاه‌طلبی حضرت علی علیه السلام و فرزندانشان می‌داند (Roded, 2018: 30).

از آنجایی که اصطلاح «سندرم فاطمه»، توسط روژ رودد به کار رفته است؛ لازم دیده شد مطالبی در تحدید و شرح این ترکیب بیان شود. سندرم در لغت زبان انگلیسی، رویداد یا اتفاقی است که به مرور جنبه عادی پیدا می‌کند (D. Summers & Others, 1998: p1371). متخصصین در عرصه روان‌شناسی از واژه «سندرم» یا نشانگان، برای اشاره به مجموعه یا الگویی از علائم مشخص در شیوه تفکر و رفتار افراد استفاده می‌کنند؛ علائمی که معمولاً همراه یکدیگر اتفاق می‌افتند و نشان‌دهنده اختلال یا بیماری مشخصی هستند (F.E. Raitt & M.S. Zeedyk, 2001: 13). بسیاری از سندرم‌های روانی، ریشه در تحلیل روان‌شناختی شخصیت‌های داستانی دارد که طیفی گسترده از وضعیت‌های روانی را توصیف می‌کنند؛ به عنوان نمونه در سال ۱۹۵۵م. دو روان‌شناس به نام «جان تاد»^۳ و «کالین دوهurst»^۴، وضعیتی را شرح دادند که با نام «سندرم اتللو»^۵

1. This phenomenon can be termed the Fatima syndrome, because descent from the Prophet is reckoned through his daughter.

2. Sharon

3. John Arthur Todd

4. Kolleen Dewhurst

5. Ottello Syndrome (OS)

شناخته می‌شود. این نام که از نمایش‌نامه شکسپیر اتخاذ شده است؛ به گونه‌ای از روان‌پزشی اشاره می‌کند که شاخصه اصلی آن، باوری نادرست مبنی بر خیانت و بی‌وفایی همسر است (G. Cipriani, 2012: 468). به نظر می‌رسد کاربرد این اصطلاحات از حوزه پزشکی و روان‌شناسی به دیگر حوزه‌ها نیز راه پیدا کرده و مورد استفاده قرار گرفته است (F.E. Raitt & M.S. Zeedyk, 2001: 1). از این رو روث رود نیز با توجه به این نگرش جدید روان‌شناسان، «سندرم فاطمه» را در مورد حضرت فاطمه علیها السلام به کار برده است تا از یک طرف انگاره افسانه‌ای بودن شخصیت ایشان را مورد توجه قرار دهد و از طرف دیگر انتقال نسب پیامبر صلی الله علیه و آله از طریق فرزندان این بانو - که برخلاف عرف رایج، نزد عرب بوده است - را اختلالی بیمارگونه تلقی کند.

برای تسهیل در بررسی، انگاره‌های این مستشرق و شاخصه‌گذاری و حوزه‌های مورد نظر این محقق مشخص شده است. در ادامه، تحلیل و منابع مورد ارجاع وی به تفکیک هر حوزه ارائه شده است. لازم به ذکر است جملات به کار برده شده عیناً از متن مذکور استخراج شده است.

جدول ۱: شاخصه‌گذاری انگاره روث رود

شاخصه‌ها	حوزه‌ها	تحلیل	منبع	صفحه در متن مذکور
انگاره افسانه بودن و تقدس	وجود شخصیت معنوی در منابع شیعیان	افسانه‌ای-مقدس، فراتر از منشأ قداست	بدون استناد	۳۰
	وجود افسانه‌ها و معجزات	یکی از زنان غالب در اسلام، داشتن شخصیت تاریخی-افسانه‌ای	وچیاوالیری	۳۰
انگاره داشتن نقش حاشیه‌ای در تاریخ اسلام	در مقایسه با عایشه	نقش حاشیه‌ای و منفعلانه	بدون استناد	۳۰
	اطلاعات پراکنده در منابع تاریخی			
انگاره سندرم فاطمه	انتقال نسب پیامبر صلی الله علیه و آله از طریق حضرت فاطمه علیها السلام	تبدیل شدن به ابزاری برای اهداف سیاسی حضرت علی علیه السلام و فرزندان ایشان	بدون استناد	۳۰
		جاه طلبی حضرت علی علیه السلام و فرزندان ایشان	شارون	۳۰

با عنایت به جدول فوق؛ سه انگاره افسانه بودن و تقدس، داشتن نقش حاشیه ای در تاریخ اسلام و سندرم فاطمه در پنج حوزه شاخص شده است که به تفکیک واکاوی می شود.

۲. نقد انگاره افسانه بودن و تقدس

روژد این انگاره را بدون ذکر سند به دلیل وجود شخصیت معنوی حضرت فاطمه (علیها السلام) در منابع شیعیان و وجود افسانه ها و معجزاتی برای ایشان با اتکا به مقاله والیری بیان کرده است (Roded, 2018: 30). شایسته است به این موضوع اشاره شود که منشأ قداست و تقدس اصیل و ذاتی، مخصوص خداوند است و برخی اشخاص به میزان انتساب خاص به خداوند و تجلی خداوند در آنها و تجلی خدایی آنها، از قداست نسبی برخوردارند؛ همچنین شناخت اولیای الهی موجب شناخت هرچه بیشتر خداوند است. برخی معتقدند قداست یا امر قدسی، یک مقوله تفسیری بوده و ارزش گذاری آن مختص قلمرو دین است (اوتو، ۱۳۸۰ ش: ص ۹)؛ همچنین امر مقدس را چیزی می دانند که حرمت انسان را نسبت به خود برمی انگیزد و انسان به ارزش واقعی آن در درون خود اعتراف می کند (اوتو، ۱۳۸۰ ش: ص ۱۱۸).

از لحاظ لغوی «مقدس» از ریشه «قَدَسَ» مشتق شده و به معنای پاکی است. این کلمه مترادف «الطُّهَر» نیز آمده است (ابن فارس، ۱۳۹۹ ق: ج ۵، ص ۶۳). در قرآن کریم برای خداوند اوصافی مانند قدوس و مقدس ذکر شده است (بقره: ۳۰)؛ همچنین مقدسات اموری هستند که نزد خداوند احترام دارند و اکرام آنها بر عموم واجب و هتک حرمتشان حرام است؛ مانند انبیا، اوصیا، بعضی اماکن یا کتب آسمانی (حسینی دشتی، ۱۳۷۶ ش: ج ۹، ص ۵۵۴). بنابراین خداوند بالذات قدوس و طاهر است و سایر موجودات به واسطه ارتباطی که با خداوند دارند به صورت محدود و مشروط مقدس و مطهر می گردند. حضرت فاطمه (علیها السلام) نزد شیعیان یکی از مصادیق اهل البیت (علیهم السلام) در آیه تطهیر (احزاب: ۳۳) است که از هر ناپاکی مبرا دانسته شده است (شیخ طوسی، ۱۴۱۴ ق: ص ۲۶۳-۲۶۴). همچنین حضرت طبق روایات مختلف به «طاهره» ملقب

بوده است (ابن جوزی، ۱۴۲۶ق: ج ۲، ص ۳۵۷). ریشه «طاهره» در زبان عرب از کلمه «طَهَرَ» به معنای پاکی و عدم نجاست آمده است. درباره «الطُّهْر» نیز صدق می‌کند که متضاد نجاست باشد و معنای پاکی از هرگونه پلیدی را به همراه دارد (ابن فارس، ۱۳۹۹ق: ج ۳، ص ۴۲۸). بنابراین حضرت فاطمه علیها السلام نزد برخی باورمندان، به دلیل شأن و منزلت ویژه از این قاعده مستثنا نیست و تقدسی نسبی، برگرفته از خداوند دارد و نه فراتر از منشأ قداست.

در زمینه وجود افسانه‌ها و معجزات در برخی روایات مربوط به حضرت باید گفت به دلیل برخی شرایط، عده‌ای از نویسندگان کتاب‌های حدیثی شیعیان، برای جذب توده مردم به تشیع در محیط‌های غیرشیعی، به بیان معجزات عوام‌پسند بدون توجه به اسناد معتبر و شناخته شده پرداخته‌اند (صفری فروشانی، ۱۳۸۵ش: ص ۱۶۳)؛ از این رو امکان وجود جعلیات و روایات غلوآمیز احتمال زیادی دارد. همین امر موجب تحلیل‌هایی مبنی بر افسانه‌ای بودن شخصیت حضرت در آثار مستشرقان شده است؛ اما توجه به این نکته ضروری است که برای رسیدن به نتیجه مطلوب در تحقیق‌های علمی در مورد شخصیت‌های تاریخی به ویژه شخصیت‌هایی با جایگاه خاص مذهبی و مهم، فهم دقیق از اوضاع زمانی و مکانی نگارش منابع (ابن خلدون، ۱۴۰۸ق: ج ۱، ص ۳۷) و استفاده از منابع مختلف متقدم در یافتن دگرگونی‌های ایجادشده در متون مختلف (قراملکی، ۱۳۹۰: ص ۱۹۵) از اصول اولیه این مهم است. این گونه تحقیقات با گزارش تاریخی مختصر، اتکا به تحقیقات جدید و حتی بدون ذکر سند که در نگاشته روث رود مشهود است، سازگار نخواهد بود و مشکلاتی در نوع تحلیل نویسنده ایجاد خواهد کرد.

۳. نقد انگاره نقش حاشیه‌ای حضرت زهرا علیها السلام در تاریخ اسلام

رودد بدون استناد به گزارش تاریخی و منابع اصیل، حضرت فاطمه علیها السلام را مؤثر در حوادث تاریخ اسلام نمی‌داند و اطلاعات نسبتاً پراکنده، نقش منفعلانه و حاشیه‌ای را در قیاس با عایشه، عامل

این موضوع می‌داند (Roded, ۲۰۱۸: ۳۰). تذکر این نکته درباره پراکندگی اطلاعات تاریخی پیرامون حضرت، لازم به نظر می‌رسد که اوضاع نامساعد زمان امامان شیعه علیهم السلام و پیروان ایشان در ادوار مختلف اموی (امین، بی‌تا: ج ۳، ص ۳۷۸-۳۸۱) و عباسی (آل کاشف الغطا، ۱۳۷۳ق: ص ۳۷)، حساسیت سیاسی و اجتماعی اهل سنت پیرامون شخصیت حضرت فاطمه علیها السلام (ابن ابی طیفور، ۱۳۷۸ق: ص ۲۴-۳۳) و عدم دقت لازم در جمع‌آوری احادیث (جمعی از پژوهشگران، ۱۳۹۹ش: ج ۲، ص ۱۳۰)، بر گزارش‌های تاریخی حضرت تأثیر گذاشته است.

در مورد قیاسی که این مستشرق بین عایشه و حضرت فاطمه علیها السلام انجام داده است، باید به این نکته دقت شود که برخورد سه خلیفه نخست در زمان خلافتشان با عایشه به گونه‌ای جایگاه وی را تثبیت کرد که نه تنها عایشه در صدر اسلام از میان دیگر همسران پیامبر صلی الله علیه و آله شاخص شد؛ بلکه در جهان اسلام در ادوار تاریخ مورد توجه قرار گرفت و آنظار به سوی او معطوف شد. ابوبکر، عمر و عثمان از هیچ‌یک از زنان پیامبر صلی الله علیه و آله به جز عایشه درخواست فتوا نکردند و این تنها عایشه بود که در موقعیت‌های گوناگون درباره سنت پیامبر صلی الله علیه و آله مورد سؤال قرار می‌گرفت، از او فتوا می‌خواستند و به آن عمل می‌کردند (ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ص ۳۷۵)؛ همین امر باعث حضور پررنگ عایشه در منابع تاریخی بوده است.

از آنجایی که رودد نقش حاشیه‌ای و منفعلانه برای حضرت فاطمه علیها السلام متصور شده، بایسته است حضور فعال حضرت در رخداد‌های تاریخی و جایگاه مهم ایشان در این رویدادها بررسی شود. این حضور فعال به دو بخش حوادث پیش و پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله تقسیم می‌شود:

۳-۱. پیش از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله

گزارش‌های مختلف تاریخی مبنی بر همراهی و پشتیبانی حضرت فاطمه علیها السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله پیش از رحلت ایشان بوده که به تفکیک بررسی خواهد شد.

۳-۱-۱. همراهی با پیامبر ﷺ در مقابل مخالفان در مکه قبل از هجرت

در این زمینه می توان به گزارش تاریخی اهانت مشرکان به ساحت پیامبر ﷺ اشاره کرد که هنگام نماز، بدن ایشان را با بچه دان شتر تازه ذبح شده آلوده کردند و حضرت زهرا ﷺ با دستان خود بدن پدر را پاک کردند (بلاذری، ۱۴۱۷ق: ج ۱، ص ۱۲۵).

۳-۱-۲. پشتیبانی و پرستاری در جنگ احد

براساس گزارش های تاریخی، حضرت فاطمه ﷺ به اتفاق تعدادی از زنان مسلمان مهاجر و انصار در زمان وقوع جنگ احد در صحنه حضور داشتند. آنها آب و غذا با خود حمل می کردند و وظیفه پرستاری و آب رسانی به مجروحان را بر عهده داشتند (واقعی، ۱۹۸۹م: ج ۲، ص ۲۴۹-۲۵۰). همچنین حضرت فاطمه ﷺ با مشاهده صورت زخمی پیامبر ﷺ با کمک حضرت علی ﷺ زخم ایشان را شستشو دادند و با سوزاندن قطعه ای از بوریا و گذاشتن خاکستر آن بر روی محل جراحت، از خون ریزی جلوگیری کردند (ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ص ۴۸؛ بلاذری، ۱۴۱۷ق: ج ۱، ص ۳۲۴). همچنین در پایان جنگ، پیامبر ﷺ شمشیر خود و حضرت علی ﷺ را به حضرت فاطمه ﷺ دادند تا آنها را تمیز کند و سپس به تصدیق خداوند اشاره کردند (طبری، ۱۳۸۷ق: ج ۲، ص ۲۱۰).

۳-۱-۳. حضور در جریان مباحله

آیه ۶۱ سوره آل عمران، آیه مباحله خوانده می شود که عده ای از مسیحیان نجران برای گفتگو در مورد حضرت عیسی ﷺ خدمت پیامبر ﷺ رسیدند و برای مباحله در محلی بیرون از مدینه قرار گذاشتند. پیامبر ﷺ به همراه حضرت علی ﷺ، حضرت فاطمه ﷺ و حسنین ﷺ در محل حاضر شدند. بزرگان مسیحی با دیدن این صحنه از مباحله چشم پوشی کردند و به مصالحه راضی شدند (ابن حنبل، ۱۴۱۶ق: ج ۲، ص ۲۷۷؛ حاکم حسکانی، ۱۴۱۱ق: ج ۱، ص ۱۵۷). مصداق

«نسائنا» در آیه شریفه، حضرت فاطمه علیها السلام است که در کتاب‌های تفسیری اهل سنت (فخر رازی، ۱۳۵۸ق: ج ۸، ص ۲۴۷) و شیعیان (طباطبایی، بی تا: ج ۳، ص ۳۷۵) به آن تصریح شده است.

۳-۱-۴. حضور در وقایع پیش و پس از فتح مکه

در وقایع پیش از فتح مکه، ابوسفیان که به دلیل پیمان شکنی بنو بکر (هم پیمان قریش) علیه بنو خزاعه (هم پیمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم)، نگران واکنش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود، برای جلوگیری از حمله احتمالی به مکه نزد دخترش، ام حبیبه (همسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم)، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، بعضی از صحابه و بالأخره حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام رفت تا برای جلوگیری از حمله به مکه واسطه شوند. البته این تلاش‌هایی ثمر ماند و همه، این درخواست را رد کردند (ابن هشام، بی تا: ج ۲، ص ۳۹۵-۳۹۷). همچنین می‌توان به حضور حضرت فاطمه علیها السلام در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در جریان فتح مکه اشاره کرد؛ زمانی که ام‌هانی برای دوتن از بنی مخزوم که در خانه‌اش پناهنده شده بودند و طلب بخشودگی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم داشتند، حضرت فاطمه علیها السلام نیز همراه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود. همچنین، حضور ایشان زمانی که تعدادی از زنان قریش با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیعت کردند، قابل توجه است (واقدی، ۱۹۸۹م: ج ۲، ص ۸۳۰، ۸۵۰).

۳-۲. پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

حضرت فاطمه علیها السلام پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان حامی و همراه حضرت علی علیه السلام در مسائل سیاسی و اجتماعی حضور فعال داشتند که به آنها اشاره خواهد شد.

۳-۲-۱. همراهی حضرت علی علیه السلام در جریان بیعت گرفتن خلیفه وقت

بیعت گرفتن از حضرت علی علیه السلام و ناراحتی حضرت فاطمه علیها السلام از عمر و ابوبکر و نیز اذیت و آزارهایی که در دوران کوتاه پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از سوی خلیفه وقت و همراهانشان دیدند، واقعیتی است که قابل انکار نیست و در منابع اهل سنت به صورت مجمل (ابن عبدربه: ۱۴۰۷ق: ج ۵، ص ۱۳) و شیعیان

به صورت مفصل (ابن رستم طبری، ۱۳۸۳ق: ص ۱۳۴) روایت شده است. در صدق هجوم به خانه حضرت فاطمه علیها السلام همین بس که ابوبکر در واپسین روزهای عمر خود، بیان می‌کند که ای کاش این کار را انجام نمی‌دادم (ابن عبدربه: ۱۴۰۷ق: ج ۵، ص ۲۱؛ یعقوبی، بی تا: ج ۲، ص ۱۳۷).
درباره نیت عمر مبنی بر آتش زدن خانه حضرت فاطمه علیها السلام، ناراحتی حضرت برای بیعت اجباری حضرت علی علیه السلام (دینوری، ۱۴۱۰ق: ج ۱، ص ۳۰)، هجوم به منزل حضرت فاطمه علیها السلام برای اخذ بیعت، آتش زدن در منزل، صدمه به حضرت فاطمه علیها السلام و سقط جنین ایشان روایاتی وجود دارد (مسعودی، ۱۴۲۶ق: ص ۱۴۶). ذهبی در شرح زندگانی ابن ابی دارم از قول ابن حماد الحافظ از سقط جنین حضرت فاطمه علیها السلام بالگد عمر سخن گفته است (ذهبی، ۱۴۲۷ق: ج ۱۵، ص ۵۷۸).

۲-۲-۳. همراهی با حضرت علی علیه السلام برای متذکر کردن انصار بعد از سقیفه

درباره همراهی حضرت فاطمه علیها السلام با همسرشان برای بازپس‌گیری حق خلافت در سقیفه گزارشی بیان شده است. درخواست کمک از انصار و پاسخ منفی آنها با این توجیه بود که زودتر از درخواست حضرت علی علیه السلام با ابوبکر بیعت کرده‌اند. پاسخ حضرت فاطمه علیها السلام به انصار این بود که حضرت علی علیه السلام کاری را که باید (تطهیر و تدفین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم)، انجام داد و دیگران کاری را انجام دادند که خداوند در آن باره قضاوت خواهد کرد (دینوری، ۱۴۱۰ق: ج ۱، ص ۲۹-۳۰).

۳-۲-۳. حضور در بازپس‌گیری فدک از خلیفه وقت

در روایات بسیاری، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در زمان حیات خود فدک را که در پی مصالحه یهودیان خیبر با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در سال هفتم هجری به دست آمده بود، به حضرت فاطمه علیها السلام واگذار کردند (طبری، ۱۳۸۷ق: ج ۲، ص ۳۰۲-۳۰۳). خوارزمی ذیل آیه ۲۶ سوره اسراء به این موضوع اشاره می‌کند (خوارزمی، ۱۴۲۳ق: ج ۱، ص ۱۱۳). همچنین در روایتی آمده که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فدک را به دستور خداوند به حضرت فاطمه علیها السلام و فرزندان‌شان واگذار کرده است (شیخ صدوق، ۱۴۰۳ق: ج ۱، ص ۵۲۶-۵۲۷). تفاسیر

شیعیان (طبرسی، ۱۳۷۲ق: ج ۶، ص ۶۳۴) و اهل سنت (سیوطی، ۱۴۳۲ق: ج ۵، ص ۲۷۳-۲۷۴) به بخشش فدک به حضرت فاطمه علیها السلام به وسیله پیامبر صلی الله علیه و آله پس از نزول آیه مذکور اشاره کرده‌اند؛ اما پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله ابوبکر با اتکا به حدیثی از ایشان که انبیا ارثی باقی نمی‌گذارند و هر آنچه باقی بماند صدقه است، مالکیت این قطعه را از حضرت فاطمه علیها السلام سلب کرد (ابن سعد، ۱۴۱۰ق: ج ۲، ص ۲۴۱؛ بخاری، ۱۴۱۰ق: ج ۶، ص ۱۲۰).

پس از تصرف فدک توسط خلیفه وقت، حضرت نزد ابوبکر رفت و برای بازگرداندن حق خود با او گفتگو کرد و ابوبکر از وی شاهد خواست. در یک روایت، حضرت علی علیه السلام و ام‌ایمن و در روایت دیگری ام‌ایمن و یکی از موالی پیامبر صلی الله علیه و آله شهادت دادند؛ اما ابوبکر با استدلال اینکه شهادت دو مرد پذیرفتنی است، ادعای حضرت را رد کرد (بلاذری، ۱۹۵۶م: ج ۱، ص ۳۵-۳۶).

۳-۲-۴. ایراد خطبه در مسجدالنبی

پس از بی نتیجه ماندن ادعای حضرت فاطمه علیها السلام نزد ابوبکر، ایشان به مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله رفتند و خطبه‌ای را در جمع صحابه و انبوه مردم، ایراد کردند که به خطبه «فدکیه» معروف است (اربلی، ۱۳۸۱ق: ج ۱، ص ۴۵۴). خطبه فدکیه با حمد و توصیف خدا آغاز می‌شود، بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله را یادآوری می‌کند، سپس به نزدیکی امام علی علیه السلام با پیامبر صلی الله علیه و آله و سروری وی در میان اولیای الهی اشاره می‌کند، صحابه را به دلیل اینکه پس از درگذشت پیامبر صلی الله علیه و آله پیرو شیطان شدند و نفاق در میان آنها آشکار شد و حق را رها کردند، سرزنش می‌کند. در این خطبه به غصب خلافت اشاره شده و سخن ابوبکر که پیامبران ارث نمی‌گذارند، مخالف آیاتی از قرآن معرفی می‌شود. حضرت فاطمه علیها السلام در این خطبه ابوبکر را به دادگاه خداوند در روز رستاخیز واگذار می‌کند و یاران پیامبر صلی الله علیه و آله را مخاطب قرار می‌دهد که چرا در مقابل این ستم‌ها ساکت نشسته‌اند و هشدار می‌دهد که آنچه آنها کرده‌اند، شکستن پیمان‌شان با رسول خدا صلی الله علیه و آله است و در فراز پایانی خطبه، ننگ کار آنان را جاودانی و سرانجام آن را دوزخ می‌داند (ابن ابی طیفور، ۱۳۷۸ق: ص ۲۴-۳۲).

۳-۲-۵. ایراد خطبه در جمع زنان مدینه

از دیگر موارد حضور تاریخی حضرت فاطمه علیها السلام سخنرانی اعتراض آمیز نزد زنان مدینه است که برای عیادت بر سر بالین بیمار حضرت، حاضر شده بودند. حضرت فاطمه علیها السلام در سخنانی بلیغ، به دفاع از مقام ولایت پرداخته و تنفر و انزجار خود را از مردان آنان و منافقان جامعه اسلامی ابراز می‌کند. ایشان تقصیر و کوتاهی آنها را تذکر می‌دهد و عذرشان را ناموجه توصیف می‌کند (ابن ابی طیفور، ۱۳۷۸ق: ص ۳۴).

لازم به ذکر است حضرت فاطمه علیها السلام طبق منابع مستند تاریخی تا زمان وفات، دو خلیفه نخست را نبخشید. زمانی که ابوبکر و عمر با وساطت حضرت علی علیه السلام نزد حضرت حاضر می‌شوند، ایشان صورت خود را برمی‌گرداند و جواب سلام آنها را نمی‌دهد. ابوبکر شروع به توجیه عملکرد خود با استنادات قبلی - ارث نبردن فرزندان انبیا - می‌کند و حضرت با قسم دادن آنان و یادآوری بر روایت مشهور پیامبر صلی الله علیه و آله که هرکس فاطمه را بیازارد مرا آزرده (ابن حجاج، ۱۴۱۲ق: ج ۴، ص ۱۹۰۳؛ طبرسی، بی تا: ص ۱۲۴) و تصدیق هر دو آنها، از نبخشیدن و نفرین آنها تا آخر عمر خبر داد (دینوری، ۱۴۱۰ق: ۳۱/۱). بخاری نیز به روی گردانی و سخن نگفتن حضرت فاطمه علیها السلام با ابوبکر تا آخر عمر اشاره کرده است (بخاری، ۱۴۱۰ق: ج ۶، ص ۳۹۵).

جدول ۲: حضور فعال حضرت فاطمه علیها السلام در رخداد های مهم تاریخی

مقوله	حوزه
همراهی با پیامبر صلی الله علیه و آله در مقابل مخالفان در مکه قبل از هجرت	پیش از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله
پشتیبانی و پرستاری در جنگ احد	
حضور در جریان مباحله	
حضور در وقایع پیش و پس از فتح مکه	

مقوله	حوزه
همراهی با حضرت علی علیه السلام در جریان بیعت گرفتن خلیفه وقت	پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله
همراهی با حضرت علی علیه السلام برای یادآوری انصار بعد از سقیفه	
حضور در بازپس‌گیری فدک از خلیفه وقت	
ایراد خطبه در مسجد النبی	
ایراد خطبه در جمع زنان مدینه	

با توجه به جدول فوق، حضرت فاطمه علیها السلام در زمان حیات پیامبر صلی الله علیه و آله و پس از آن با صلابت و اعتماد به نفس حضور داشتند. همراهی با پیامبر صلی الله علیه و آله در زمان بعثت، حضور در جنگ احد، حضور در رخداد مباحله، همراهی با پیامبر صلی الله علیه و آله در فتح مکه، حمایت از حضرت علی علیه السلام، تحمل آسیب‌های جسمی و روحی در بحرانی‌ترین اوضاع جامعه اسلامی، حضور در مسجد و سخنرانی کوبنده و روشنگرانه به همراه افشای توطئه منافقان و بدخواهان و دفاع از حق و ولایت در جمع زنان مدینه، مواردی هستند که می‌توان در زندگانی ایشان به آنها اشاره نمود. منش و روش ایشان نشان می‌دهد که با آگاهی و اتخاذ شیوه‌های سیاسی مدبرانه توانستند در صحنه‌های گوناگون جامعه حضور به هم رسانند و نقش فعال و تأثیرگذاری بر مسائل تاریخی جهان اسلام داشته باشند.

۴. نقد انگاره سندرم فاطمه

رودد با بیان این مطلب که انتقال نسب پیامبر صلی الله علیه و آله از طریق حضرت فاطمه علیها السلام سندرمی به نام فاطمه است، آن را به استناد تحقیقات جدید یکی از هم‌عصران خود، جاه‌طلبی سیاسی حضرت علی علیه السلام و فرزندانشان تلقی می‌کند و از ایشان به عنوان ابزاری برای اهداف سیاسی امامان شیعه

یاد می‌کند (Roded, 2018: 30). بررسی این شاخصه از دو جنبه منشأ انتساب امامت به حضرت فاطمه علیها السلام و اعتقاد شیعیان در مورد امامان و نسب آنها، مورد مطالعه قرار گرفت.

۴-۱. منشأ انتساب امامت به حضرت فاطمه علیها السلام

این موضوع از منظر آیات، روایات و گزارش‌های تاریخی قابل اثبات است.

۴-۱-۱. آیات

قرآن کریم در آیه ۵۴ سوره فرقان در یک تقسیم‌بندی، تعلق نسب از طریق مرد و سبب از طریق زن را متذکر شده است که در تفسیر شیعیان (طبرسی، ۱۳۷۲ق: ج ۷، ص ۲۷۳) و اهل سنت (بیضاوی، ۱۴۱۸ق: ج ۴، ص ۱۲۸) از آن به تفصیل سخن گفته‌اند. کاربرد واژگانی مانند ذریه و نسل در قرآن کریم نیز درباره نسب افراد است که این امر از متن آیات ۸ سوره سجده، ۳۸ آل عمران استفاده می‌شود و مفسران نیز استعمال اصطلاحات نسل و ذریه در مورد نسب را در قرآن یادآور شده‌اند (طبری، ۱۴۱۲ق: ج ۲۱، ص ۶۱).

آنچه در خصوص پیامبر صلی الله علیه و آله اهمیت دارد آن است که هیچ‌یک از فرزندان ذکور آن حضرت به سن بلوغ نرسیدند و در کودکی از دنیا رفتند. این امر باعث می‌شد که بنابر عرف جامعه، دودمانی که منتسب به آن حضرت باشد از صلب ایشان باقی نماند. از این رو پیامبر صلی الله علیه و آله پس از آنکه عبدالله، فرزند خردسالش، از دنیا رفت، مورد شتمات برخی از مشرکان قرار گرفت و ایشان را بتر و منقطع النسل خواندند (ثعلبی، ۱۴۲۲ق: ج ۱۰، ص ۳۲۷)؛ بنابراین سوره کوثر در رد شتمات آنان نازل شد و از اعطای کوثر به آن حضرت خبر داد. مفسران کوثر را «خیر کثیر» معنا کرده‌اند و یکی از مصادیق آن را نسل و ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله دانسته‌اند (فخر رازی، ۱۳۵۸ق: ج ۳۲، ص ۳۱۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲ق: ج ۱۰، ص ۸۲۵). علامه طباطبایی در تفسیر خود مصداق کوثر را همان کثرت ذریه و فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام دانسته و معتقد است در غیر این صورت آیه آخر این سوره خالی از معنا خواهد شد (طباطبایی،

بی تا: ج ۲، ص ۳۷۰-۳۷۱). همچنین در آیه مباهله سخن از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله به میان آمده است. عالمان شیعه (شیخ طوسی، ۱۴۱۴ ق: ص ۳۰۷) و اهل سنت (ترمذی، ۱۴۱۹ ق: ج ۵، ص ۲۲۵) به اتفاق، قائل هستند پیامبر صلی الله علیه و آله در جریان مباهله، حسن و حسین علیهما السلام را فرزندان خود نامیدند و همراه خود بردند. حاکم نیشابوری این روایت را به شرط شیخین (بخاری و مسلم) صحیح دانسته است (حاکم نیشابوری، بی تا: ج ۳، ص ۱۶۴). بنابراین مبتنی بر این روایت، فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام به صورت سببی و نسبی فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله هستند و ذریه و آل پیامبر صلی الله علیه و آله به شمار می آیند.

۴-۱-۲. روایات

در منابع متقدم اهل سنت گزارش شده وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله شنید که عده‌ای گمان می‌کنند انتساب به پیامبر صلی الله علیه و آله نفعی برای ایشان ندارد، در خطبه‌ای خویشاوندی خود در دنیا و آخرت را با فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام پیوند خورده دانست (حاکم نیشابوری، بی تا، ج ۴، ص ۷۴). همچنین در روایتی حضرت علی علیه السلام به ابوبکر یادآور می‌شود که به فرمایش پیامبر صلی الله علیه و آله پیوند خویشاوندی تمام مردم در روز قیامت قطع می‌شود؛ به جز پیوند خویشاوندی پیامبر صلی الله علیه و آله و فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام (شیخ صدوق، ۱۴۰۳ ق: ج ۲، ص ۵۵۹). روایت دیگری به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله در منابع روایی شیعه (اربلی، ۱۳۸۱ ق: ج ۱، ص ۴۵۴) و اهل سنت (ذهبی، ۱۳۸۲ ق: ج ۲، ص ۳۹۸) آمده که خداوند ذریه هر پیامبری را در صلب همان پیامبر قرار داد؛ اما ذریه پیامبر صلی الله علیه و آله را در صلب علی علیه السلام قرار داد.

۴-۱-۳. گزارش‌های تاریخی

از منظر تاریخی نیز داده‌های متعددی وجود دارد که نشان‌دهنده انتساب ذریه حضرت فاطمه علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله است. طبق گزارش ام سلمه در برخی منابع اهل سنت، جبرئیل در محضر پیامبر صلی الله علیه و آله، امام حسین علیه السلام را فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله خواند (طبرانی، ۱۴۰۴ ق: ج ۳، ص ۱۰۸). در روایت دیگری از پیامبر صلی الله علیه و آله، امامان حسن و حسین علیهما السلام را فرزند خود می‌خواند (بخاری، ۱۴۱۰ ق:

ج ۳، ص ۱۷۰). این عملکرد پیامبر ﷺ در منابع معتبر اهل سنت تصریح شده است (ابن حنبل، ۱۴۱۶ق: ج ۵، ص ۳۸). حضرت فاطمه علیها السلام نیز پسران خویش را پسران پیامبر ﷺ می دانست (طبرانی، ۱۴۰۴ق: ج ۲۲، ص ۴۲۳). اصحاب ائمه علیهم السلام نیز آنان را عموماً با وصف «یابن رسول الله» خطاب می کردند (طبری، ۱۴۱۲ق: ج ۵، ص ۲۵۸).

در منابع معتبر شیعی نیز گزارش های مشابهی مبنی بر فرزند خواندن امامان حسن و حسین علیهم السلام از طرف پیامبر ﷺ وجود دارد (کلینی، ۱۳۶۳ق: ج ۶، ص ۲). در روایتی که از حضرت علی علیهما السلام نقل شده، هنگامی که پیامبر ﷺ حدیث ثقلین را فرمودند، در پاسخ عمر درباره دامنۀ اهل بیت، آنها را جانشینان خود یعنی حضرت علی، امامان حسن و حسین علیهم السلام و نه فرزند از نسل ایشان معرفی می کند (شیخ صدوق، ۱۴۰۴ق: ج ۱، ص ۲۷۹). از امام حسن علیهما السلام نیز نقل شده که در روز مباحله، پیامبر ﷺ ایشان و امام حسین علیهما السلام را به عنوان فرزندانشان همراهی کردند (مجلسی، ۱۳۶۳ش: ج ۶۹، ص ۱۵۴).

۴-۲. اعتقاد شیعیان در مورد امامان و نسب آنها

شیعیان از زمان رحلت پیامبر ﷺ با استناد به آیات و روایات متواتر از شخص پیامبر ﷺ، به جانشینی بلا فصل ائمه علیهم السلام استدلال کرده اند و اعتقاد دارند که خداوند هرگز زمین را از حجت یعنی پیامبر یا وصی - ظاهر یا غائب - خالی نمی گذارد (کلینی، ۱۳۶۳ق: ج ۱، ص ۱۶۸). خلاصۀ حقیقت و جوهر تشیع، ایمان بر زمامداری امام بعد از پیامبر ﷺ است و ایمان بر امامی که به ارادۀ خداوند حکومت می کند (سید لاشین، ۱۴۳۰ق: ص ۱۱).

۴-۲-۱. آیات قرآن

در آیه ۶۱ سوره آل عمران، به اتفاق شیعه و اهل سنت مقصود از «انفسنا» حضرت علی علیهما السلام است؛ بدین معنا که جمیع صفات و کمالات پیامبر ﷺ به جز نبوت در وجود ایشان نهاده شده است

و شایستگی امامت را دارد (فخررازی، ۱۳۵۸ق: ج ۸، ص ۲۴۷؛ طباطبایی، بی تا: ج ۳، ص ۳۷۵). در آیات ۳ و ۶۷ سوره مائده نیز، این حقیقت مشخص است که آیات تبلیغ و اکمال دین در روز غدیر نازل شده است؛ بنابراین می توان گفت ولایت و نصب حضرت علی (ع) به امامت، آخرین فریضه‌ای است که خداوند بر پیامبر (ص) نازل کرده و این مهم، همان اکمال دین است. پیامبر (ص) پیش از رحلت خود تمام احکام دین اسلام را برای امت خود بیان فرمود و حضرت علی (ع) را به عنوان راهنما و امام بعد از خود در حجة الوداع نصب نمود (بحرانی، ۱۳۸۵ق: ج ۲، ص ۲۲۳-۲۲۴). علامه طباطبایی نیز تفسیر و توجیه این دو آیه را تنها نصب امام علی (ع) به امامت می داند (طباطبایی، بی تا: ج ۵، ص ۳۷۵).

۴-۲-۲. حدیث غدیر

طبق حدیث غدیر، شیعیان معتقدند پیامبر (ص) به فرمان خداوند، حضرت علی (ع) را به عنوان جانشین خود و نخستین امام معرفی کرده است. این حدیث، متواتر است و تعداد زیادی از صحابه آن را نقل کرده اند و بسیاری از علمای شیعه و اهل سنت به تواتر آن اعتراف کرده اند (طباطبایی، بی تا: ج ۵، ص ۱۹۶)، این حدیثی است که ترمذی و نسائی با سندهای صحیح نقل کرده اند و همه در کتاب ابن عقده جمع آوری شده که بسیاری از آنها صحیح یا حسن هستند (عسقلانی، ۱۳۷۹ق: ج ۷، ص ۷۴).

۴-۲-۳. حدیث لوح

این حدیث از احادیث منقول از پیامبر (ص) برای اثبات امامت ائمه دوازده گانه شیعه است (شیخ صدوق، ۱۳۷۸ش: ج ۱، ص ۴۱) و با توجه به مقبولیت سند و فراوانی نقل آن در منابع، جایگاه ویژه‌ای در اثبات امامت و خلافت ائمه شیعه دارد (کلینی، ۱۳۶۳ق: ج ۱، ص ۵۲۷)؛ همچنین اهل سنت به صورت جزئی در کتاب‌های خود به آن اشاره کرده اند (طبرسی، بی تا: ص ۲۵۸).

۴-۲-۴. حدیث ثقلین

در حدیث ثقلین پیامبر ﷺ، امت خود را به حرمت نهادن به دوشیء گران قدر سفارش کرده، کتاب و عترت، و دوری از آنها را مایه ضلالت قلمداد می‌کند. این حدیث را علمای شیعه (کلینی، ۱۳۶۳ق: ج ۱، ص ۲۹۴) و اهل سنت (ترمذی، ۱۴۱۹ق: ج ۵، ص ۶۶۲-۶۶۳) از طرق متعدد و در حد تواتر نقل کرده‌اند.

۴-۲-۵. حدیث منزلت

در حدیث منزلت که از طرق مختلف در منابع اهل سنت (ترمذی، ۱۴۱۹ق: ج ۵، ص ۶۳۸)، کتاب‌های کلامی (کلینی، ۱۳۶۳ق: ج ۱، ص ۱۰۶-۱۰۷) و تفسیری شیعیان (بحرانی، ۱۳۸۸ق: ج ۱، ص ۱۷۵) آمده است، پیامبر ﷺ منزلت حضرت علی علیه السلام را به منزله هارون نزد موسی علیه السلام قرار داده است. مطابق آیات ۲۹-۳۲ سوره طه، منزلت هارون نزد موسی علیه السلام همان وزارت، خلافت و جانشینی حضرت موسی علیه السلام و مشارکت در امر او است (طباطبایی، بی تا: ج ۱۴، ص ۲۲۱-۲۲۲). مبتنی بر استدلال‌های قرآنی و روایات و گزارش‌های تاریخی، انتساب فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مصداقی صحیح است. بنابر اعتقاد شیعیان انتقال امامت نیز امری منصوص و به دستور خداوند است که در منابع متقدم و اصیل شیعیان صراحتاً به آن اشاره شده و نام تمامی امامان، اعم از امام علی علیه السلام و فرزندان‌شان، ذکر شده است. از این رو ناسازگاری انگاره روث رودد در ادعای «سندرم فاطمه» و جاه‌طلبی حضرت علی علیه السلام و فرزندان‌شان در به دست آوردن امامت، با آیات و روایات آشکارا مشهود است.

نتیجه

انگاره‌ای که روث رودد از حضرت فاطمه علیها السلام ترسیم کرده، شخصیتی است با نقش حاشیه‌ای و منفعلانه در تاریخ اسلام که در قرون بعدی توسط شیعیان، شخصیتی مقدس-افسانه‌ای برای

ایشان در منابع رقم خورده است. همچنین انتقال نسب پیامبر صلی الله علیه و آله از طریق فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام را «سندرم فاطمه» نامیده که آن را جاه‌طلبی حضرت علی علیه السلام و فرزندانشان تحلیل کرده است. وی با اعتماد به تحقیقات هم‌عصران خود و برخی گزارش‌های بدون سند و عدم توجه به منابع تاریخی، حدیثی و تفسیری اهل سنت و شیعیان، این تصویرسازی را پدید آورده است.

در مقام تحلیل، از بررسی انتقادی انگاره‌های شاخص شده در نگاشته روژ رود و تطبیق آنها با منابع تاریخی، حدیثی و تفسیری متقدم اهل سنت و شیعیان، این نتیجه حاصل می‌شود که حضرت فاطمه علیها السلام تقدسی نسبی برگرفته از ذات اقدس الهی است و نه منشأ قداست. مشارکت فعال و مؤثر حضرت در مواضع مختلف تاریخی و سرنوشت‌ساز مانند همراهی با پیامبر صلی الله علیه و آله در کودکی و شرایط مختلف جنگی با حفظ شئونات و متناسب با شخصیت و شرایط زمانی، حضور در جریان خطیر مباهله، همراهی با حضرت علی علیه السلام بعد از ماجرای سقیفه، ارائه خطبه محکم فدکیه در مسجد النبی و سخنرانی پرمعنا در جمع زنان مدینه پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، شاهد آن است که حضرت در کارهای انسانی، سیاسی، فرهنگی و ایمانی، متناسب با عینیت جامعه و نیازمندی‌ها و شرایط روز و در چارچوب شیوه‌های فعالیت عصر خود و مطابق ارزش‌های زمان، شرکت فعال داشته است و نقش حاشیه‌ای ایشان در تاریخ اسلام با وجود این فعالیت‌ها اثبات‌پذیر نیست. همچنین انتقال نسب پیامبر صلی الله علیه و آله از طریق حضرت فاطمه علیها السلام با توجه به آیات و روایات ثابت شده و فرزندان ایشان به صورت نسبی و سببی فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله هستند.

انتقال امامت از طریق نسب حضرت فاطمه علیها السلام و حق امامت حضرت علی علیه السلام، هر دو امری الهی است که هر کدام از امامان شیعه با نص خداوند به این مقام نائل شده‌اند و هیچ خواسته و منفعت دنیوی در این موضوع دخالت نداشته‌اند. در نهایت، وجود سندرم فاطمه و موضوع جاه‌طلبی حضرت علی علیه السلام و فرزندانشان برای به دست آوردن امامت، تصویری ناسازگار با آیات و روایات و گزارش‌های تاریخی است. بنابراین به نظر می‌رسد، روژ رود به دلیل عدم بازشناسی و بازبینی عالمانه و مستند منابع مرتبط با موضوع، نداشتن آگاهی لازم از دانش اسلام‌شناسی عمیق

و مستدل مبتنی بر داده‌های روایی شیعیان به‌طور مشخص، و نداشتن فهمی برون‌دینی، انگاره‌ای مقدس-افسانه‌ای با طرحی حاشیه‌ای و منفعلانه در تاریخ اسلام را از حضرت فاطمه علیها السلام به تصویر کشیده است.

از آنجایی که شخصیت حضرت فاطمه علیها السلام به‌عنوان یکی از بانوان صدر اسلام منزلت ویژه‌ای دارد و از جایگاه مهمی نزد اهل سنت و شیعیان برخوردار است، برای جلوگیری از فهمی ناموزون از شخصیت این بانو، بایسته است پژوهش‌گران مسلمان و به‌ویژه شیعیان کارهای تحقیقاتی خود را در زمینه پژوهشی متناسب در حوزه کلام و تاریخ، در حیطه معصوم‌شناسی به‌صورت گسترده و جهانی برای سطوح مختلف فکری پدید آورند و خلأهای موجود در این زمینه را مشحون سازند.

منابع

قرآن کریم

آل کاشف الغطا، محمد حسین (۱۳۷۳ق)، أصل الشيعة وأصولها، محقق: علاء جعفر، قم: الامام علی (ع).

ابن ابی طیفور (۱۳۷۸ق)، بلاغات النساء، قم: الحیدریه.

ابن جوزی، یوسف بن قزاوغلی (۱۴۲۶ق)، تذکرة الخواص من الأمة بذكر خصائص الأئمة، محقق: حسین تقی‌زاده، قم: المجمع العالمی لاهل البيت (ع).

ابن حجاج، مسلم (۱۴۱۲ق)، صحیح مسلم، محقق: محمد فواد عبدالباقی، مصر: دارالحديث.

ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (۱۳۷۹ق)، فتح الباری شرح صحیح البخاری، بیروت: دارالمعرفه.

ابن حنبل، احمد (۱۴۱۶ق)، مسند ابن حنبل، بیروت: الرساله.

ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۰۸ق)، دیوان المبتدا والخبر فی تاریخ العرب والبریر ومن

عاصرهم من ذوی الشأن الأكبر، محقق: خلیل شحاده، بیروت: دارالفکر.

ابن سعد (کاتب واقدی)، محمد (۱۴۱۰ق)، طبقات الکبری، بیروت: دارصادر.

ابن عبدربه، شهاب‌الدین (۱۴۰۷ق)، العقد الفريد، محقق: قمیحه و محمد مفید، بیروت: دارالکتب العلمیه.

ابن فارس، ابوالحسین (۱۳۹۹ق)، معجم مقاییس اللغة، محقق: عبدالسلام محمد هارون، بیروت: دارالفکر.

ابن هشام، عبدالملک بن هشام (بی‌تا)، السيرة النبوية، محقق: مصطفى السقا و دیگران، بیروت: دارالمعرفة.

اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱ق)، کشف الغمة في معرفة الأئمة، تبریز: بنی‌هاشمی.
امین، احمد (بی‌تا)، ضحی الاسلام: نشأة العلوم في العصر العباسي الأول، بیروت: دارالکتب العربی.
اوتو، رودلف (۱۳۸۰ش)، مفهوم امر قدسی (پژوهشی درباره عامل غیرعقلانی مفهوم الوهیت و نسبت آن با عامل عقلانی)، مترجم: همایون همتی، تهران: نقش جهان.
باردن، لورنس (۱۳۷۵ش)، تحلیل محتوا، مترجم: محمد یمنی دوزی سرخابی و ملیحه آشتیانی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

بحرانی، سیدهاشم (۱۳۸۵ق)، البرهان في تفسير القرآن، قم: دارالمجتبی.
_____ (۱۳۸۸ق)، غایة المرام وحجة الخصام في تعيين الإمام من طريق الخاص والعام، محقق: سیدعلی عاشور، قم: بعثت.

بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۱۰ق)، صحيح البخاري، مصر: لجنة إحياء كتب السنة.
بلاذری، احمد بن یحیی (۱۴۱۷ق)، أنساب الأشراف، بیروت: دارالفکر.
_____ (۱۹۵۶م)، فتوح البلدان، مصر: النهضة المصرية.

بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق)، تفسير البيضاوي، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
ترمذی، محمد بن عیسی (۱۴۱۹ق)، سنن ترمذي، مصر: دارالحديث.
ثعلبی، ابواسحاق احمد بن محمد (۱۴۲۲ق)، الكشف والبيان، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
جمعی از پژوهشگران (۱۳۹۹ش)، کلام شیعه در پژوهش‌های غربی، به‌کوشش و ویرایش: سیدرضا قائمی و محمدرضا امین، قم: دارالحديث.

حاکم حسکانی، عبيدالله بن عبدالله (١٤١١ق)، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل، بيروت: الاعلامى للمطبوعات.
حاکم نيشابورى، محمد بن عبدالله (بى تا)، المستدرک على الصحيحين، بيروت: دارالفکر.
حسينى دشتى، سيد مصطفی (١٣٧٦ش)، معارف و معارف، قم: دانش.
خوارزمى، موفق بن احمد (١٤٢٣ق)، مقتل الحسين (ع)، قم: أنوار الهدى.
دينورى، ابن قتيبه (١٤١٠ق)، الإمامة والسياسة المعروف بتاريخ الخلفاء، محقق: على شيرى، بيروت: دارالاضواء.

ذهبى، شمس الدين (١٣٨٢ق)، ميزان الاعتدال في نقد الرجال، بيروت: دارالمعرفة.
_____ (١٤٢٧ق)، سير أعلام النبلاء، محقق: شعيب الأرنؤوط و على ابوزيد، بيروت: الرسالة.
سيد لاشين، فتحى (١٤٣٠ق)، الشيعة والتشيع. بيروت: البصائر للبحوث والدراسات.
سيوطى، جلال الدين (١٤٣٢ق)، الدرر المنثور في التفسير المأثور، بيروت: دارالفکر.
شيخ صدوق، ابوجعفر محمد بن على (١٣٧٨ق)، عيون أخبار الرضا (ع)، تهران: جهان.
_____ (١٤٠٣ق)، الخصال، قم: جامعه مدرسين.
_____ (١٤٠٤ق)، کمال الدين وتمام النعمة، قم: النشر الاسلامى.
شيخ طوسى، ابوجعفر محمد بن حسن (١٤١٤ق)، الأمالي، قم: دارالثقافه.
صفرى فروشانى، نعمت الله (١٣٨٥ش)، «حسين بن عبد الوهاب و عيون المعجزات»، علوم حديث، ش ٤، ص ١٥٦-١٦٨.

طباطبايى، سيد محمد حسين (بى تا)، الميزان في تفسير القرآن، بيروت: الاعلامى للمطبوعات.
طبرانى، سليمان بن احمد (١٤٠٤ق)، المعجم الكبير، بيروت: دار إحياء التراث العربى.
طبرسى، فضل بن حسن (١٣٧٢ق)، مجمع البيان في تفسير القرآن، مصحح: فضل الله طباطبائى و هاشم رسولى، تهران: ناصر خسرو.

_____ (بى تا)، إعلام الورى بأعلام الهدى، تهران: دارالكتب الاسلاميه.
طبرى، محمد بن جرير (١٣٨٧ق)، تاريخ الطبرى، بيروت: الاعلامى للمطبوعات.

- _____ (۱۴۱۲ق)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفة.
- طبری، محمد بن جریر بن رستم (۱۳۸۳ق)، دلائل الإمامة، قم: دارالذخائر.
- عمید، حسن (۱۳۷۹ش)، فرهنگ عمید، تهران: امیرکبیر.
- فخررازی، محمد بن عمر (۱۳۵۸ق)، مفاتیح الغیب (تفسیر کبیر)، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- فرامرز قراملکی، احد (۱۳۹۰ش)، روش شناسی مطالعات دینی، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- کرپنדרوف، کلوس (۱۳۹۰ش)، تحلیل محتوا: مبانی روش شناسی، مترجم: هوشنگ نایی، تهران: نی.
- کریمی نیا، مرتضی (۱۳۸۶ش)، سیره پژوهی در غرب: گزیده متون و منابع، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳ق)، الکافی، قم: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۳ش)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، تهران: الاسلامیه.
- مسعودی، علی بن حسین (۱۴۲۶ق)، إثبات الوصية للإمام علی بن أبی طالب، قم: انصاریان.
- واقدی، محمد بن عمر (۱۹۸۹م)، المغازی، محقق: مارسدن جونز، بیروت: الاعلمی للمطبوعات.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق (بی تا)، تاریخ یعقوبی، بیروت: دارصادر.
- D. Summers & Others (1998). Longman Dictionary of English Language and Culture, England, Pearson.
- F.E. Raitt & M.S. Zeedyk (2001). The Implicit Relation of Psychology and Law, Women and syndrome evidence. USA & Canada. Taylor & Francis Inc.
- G. Cipriani, M. Vedovello, A. Nuti, A. di Fiorino (2012). Dangerous passion: Ottello syndrome and dementia. Psychiatry and Clinical Neuroscience. 66. 467-473.
- L.C, Garro (2000). Remembering What One Knows and the Construction of the Past: A Comparison of Cultural Consensus Theory and Cultural Schema Theory. Ethos. 28, 3. 275-319.
- R. Roded (2018). Women in Islamic Biographical Collection: From Ibn Sa'd to Who's who. USA. Gorgias.
- <https://huji.academia.edu/Roded>

References

The Holly Quran

A group of researchers. 1399 SH. Kalame Shii dar Pazhoheshhaye Gharbi. Efforted & Edited by Seyed Reza Ghaemi & Mohammad Reza Amin. Qom: Dar al-Hadith.

Ahmad, Amin. Bi-Ta. Zohi al-Islam:Nashat Al-olom fi Al-asr Al-abbasi Al-aval. Beirut: Dar al-Kitab-Al-Arabi.

Al-Kashif-Al-Ghata, Mohammad Hossein. 1373 AH. Asl-al-Shi'a & Osoloha. Investigated by Ala al-Ja'afar, Mohaghegh. Qom: Imam Ali.

Al-Saidlashin, Fathi. 1430 AH. Al-Shia & Tashayo. Beirut: Al-Basair al-Bakhruih and Al-Derasat.

Amid, Hasan. 1379 Sh. Dictionary of Amid. Tehran: AmirKabir.

Bahrani, Seed Hashem. 1385 AH. Al-Barhan in Tafsir al-Qur'an. Qom: Darul Mojtabi.

Bahrani, Seed Hashem. 1388 AH. Ghaya al-Maram and Hajjat al-Khasam in the determination of the imams in the special and general way. Qom: Ba'ath.

Balazri, Ahmad- Ibn- Yahya. 1417 AH. Ansab al-Ashraf. Beirut: Dar al-Fekr.

Balazri, Ahmad- Ibn- Yahya. 1956 M. Fotoh Al-Baldan. Egypt: Al-Nahda School of Egypt.

Beydawi, Abd-allah- Ibn- Omar. 1418 AH. Tafsir al-Baydawi. Beirut: Darahiya alrath-al-arabi.

Bukhari, Mohammad- Ibn- Ismael. 1410 AH. Sahih al-Bukhari. Egypt: Ahyakitab al-Sunnah Committee.

Burden, Laurance. 1375 Sh. Content analysis. Translated by Mohammed Yamni-Dozi Sorkhabi and Maleeha Ashtiani. Tehran: Shahid Beheshti University.

Dhahabi, Sham- Aldin. 1382 AH. Mizan Al-eatedal fi Naghd Al-rejal. Beirut: Dar al-Mareh,

Dhahabi, Sham- Aldin. 1427 AH. Sear Aalam Al-nobala. Beirut: Al-Rasalah.

Erbali, Ali- Ibn- Esa. 1381 AH. Kashf Al-Ghamma fi Marafah al-A'imah. Tabriz: Bani Hashemi.

Fakhrazi, Mohammad-Ibn-Omar. 1358 AH. Mufatih al-Ghaib (Tafsir Kabir). Beirut: Darahiya alrath-al-arabi.

Hakim Al-Nishaburi, Mohammab- Ibn- Abd_allah. Bi-Ta. Al-Mustadrak Ali Al-Sahihien. Beirut: Dar al-Fekr.

Hakim Hasakani. 1411 AH. Shavahed Al-Tanzil le-Ghavaed O_Tanzil. Beirut: Al-Alami lelmatboaat.

- Hosseini Dashti, Seed Mostafa. 1376 AH. Maaref & Maarif. Qom: Danesh.
- Ibn Abd Rabbah. 1407 AH. Al-Aqda al-Farid. Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya.
- Ibn Abi Tayfur. 1378 AH. Balaqat al-Nesa, Qom: Maktaba Al-Haidariyya.
- Ibn Al-Hajjaj, Moslem. 1412 AH. Sahih Muslim, Egypt: Dar al-Hadith.
- Ibn Fars, Abol- Hossein. 1399 AH. Moajam Maghaaes Al-loghah. Beirut: Dar al-Fekr.
- Ibn-Hajar Asqlani, Ahmad Ibn Ali. 1379 AH. Fath al-Bari Sharh Sahih al-Bukhari. Beirut: Dar al-Mareh.
- Ibn Hanbal, Ahmad. 1416 AH. Musnad Ibn Hanbal. Beirut: Al-Rasalah.
- Ibn-Hisham. Bi-Ta. Al-Sira Al-Nabawieh. Beirut: Dar al-Mareh.
- Ibn Jawzi, Yusuf bin Ghazaughli. 1426 AH. Tazkerat al-Khavas men Al-Ommat Be Khasaes Ol-Aemah investigated by Hussein Taqizadeh. Qom: The International Assembly of the People of the Prophet, peace be upon them.
- Ibn Khaldun, Abdul Rahman bin Muhammad. 1408 AH. Kitab al-Ibar. Beirut: Dar al-Fikr.
- Ibn Qutaiba Dinuri. 1410 AH. Al-Imamah & al-Siasah Al-maaroof b _tarikh al-Kholafa. Beirut: Dar al-Azwa.
- Ibn-Saad, Mohammad (Waqdi scribe). 1410 AH. Tabaqat al-Kobar. Beirut: Dar Sader.
- Jacobi. BI-Ta. Jacobean history. Beirut: Dar Sader.
- Kariminia, Morteza. 1386 Sh. Sire Pazhohi dar Gharb: Gozide Moton & Manabe. Tehran: World Assembly of Approximation of Islamic Religions.
- Khatib Baghdadi, Ahmad- Ibn- Ali. 1417 AH. Tarikh Baghdad. Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya.
- Khwarazmi, Movagh_ ibn- Ahmad. 1423 AH. Maghtal Al-Hossien peace be upon him. Qom: Anwar Al-Hadi.
- Krippendorf, Klaus. 1390 SH. Content analysis: the basics of methodology. Translated by Hoshang Naibi. Tehran: Ni.
- Koleini, Mohammad-Ibn-Yaghob. 1363 AH. Al-Kafi. Qom: Darul Kitab Al-Islamiya.
- Majlesi, Mohammad Bagher. 1363 Sh. Bihar al-Anwar al-Jamaa ledor al-Akhbar al-Imaa al-Athar. Tehran: Al-Islamiya.
- Masoudi, Ali-Ibn-Hosein. 1426 AH. Esbat Al-vasiea le-Imam Ali bin Abi Talib. Qom: Ansarian.
- Otto, Rudolf. 1380 Sh. The concept of sacred matter (research on the irrational factor of the concept of divinity and its relationship with the rational factor). Translated by Homayoun Hemmati. Tehran: Naqsh Jahan.

- Qaramaleki, Faramarz Ahad. 1390 SH. Ravesh Shenasi Motaaleat Dini. Mashhad: Olom Islami Razavi University.
- Safari Forushani, Nemma-Allah. 1385 SH. Hossein bin Abd al-Wahhab and Ayoun al-Mujazat, Science of Hadith. 11. 4.
- Sheikh Sadouq. 1378 AH. Ayun Akhbar al-Reza, peace be upon him. Tehran. Jahan.
- Sheikh Sadouq. 1404 AH. Kamaluddin & Tamam Al-neama. Qom: Al-Nashr al-Islami.
- Sheikh Sadouq. 1403 AH. Khasal. Qom: Society of teachers.
- Sheikh Tusi. 1414 AH. Al-amali Sheikh Tusi. Qom: Dar al-Thaqafa.
- Siyuti, Jalal-al-din. 1432 AH. Al-Dur al-Manthur fi al-Tafseer al-Mathur. Beirut: Dar al-Fekr.
- Thaalbi, Abu Eshagh. 1422 AH. Al-Kashf and Al-Bayan. Beirut: Darahiya altrath-al-arabi.
- Tabarani, Soleiman- Ibn- Ahmad. 1404 AH. Al-Mu'jam Al-Kabir. Beirut: Darahiya altrath-al-arabi.
- Tabari, Mohammad-Ibn-Jarir. 1412 AH. Jami al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an. Beirut: Dar al-Mareh.
- Tabari, Mohammad-Ibn-Jarir. 1378 AH. Tarikh al-Tabari: Beirut. Al-Alami-Lal-Mahbatat.
- Tabari, Mohammad-Ibn-Jarir-Ibn-Rostam. 1383 AH. Dalaal al-Imamah. Qom: Dar al-Zhakhar.
- Tabarsi, Fazl-Ibn-Hasan. Bi-Ta. Aalam Al-vara be aalam Al-hoda. Tehran: Darul Kitab Al-Islamiyeh.
- Tabarsi, Fazl-Ibn-Hasan. 1372 AH. Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an. Tehran: Nasser Khosro.
- Tabatabai, Seed Mohammad Hosein. Bi-Ta. Al-Mizan in Tafsir al-Qur'an. Beirut: Al-Alami-Lal-Mahbatat.
- Tirmidhi, Mohammad-Ibn- Esa. 1419 AH. Sunan Tirmidhi. Egypt: Dar al-Hadith.
- Waqidi, Mohammad-Ibn-Omar. 1989 M. Al-Maghazi. Beirut: Al-Alami-Lal-Mahbatat.

References

The Holy Qur'an

Āl Kāshif al-Ghiṭā', Muhammad Ḥusayn. 1373 AH. Aṣl al-Shī'a wa Uṣūluhā, ed: 'Alā Āl Ja'far, Qom: Al-Imām 'Alī (AS).

A group of researchers. 1399 Sh. Shiite Theology in Western Studies, ed.: Seyyed Reza Qa'emi and Muhammad Reza Amin, Qom: Dār al-Ḥadīth.

- Al-Arbilī, ‘Alī ibn ‘Īsā. 1381 AH. *Kashf al-Ghumma fi Ma‘rifat al-A‘immah*, Tabriz: Banī Hāshimī.
- Amid, Hassan. 1379 Sh. *Farhang-e Amid*, Tehran: Amīrkabīr.
- Amīn, Aḥmad. n.d. *Ḍuḥā al-Islām: Nash‘at al-‘Ulūm fi al-‘Aṣr al-‘Abbāsī al-Awwal*, Beirut: Dār al-Kitāb al-‘Arabī.
- Al-Baḥrānī, Sayyid Hāshim. 1385 AH. *Al-Burhān fi Tafsīr al-Qur‘ān*, Qom: Dār al-Mujtabā.
- Al-Baḥrānī, Sayyid Hāshim. 1388 AH. *Ghāyat al-Marām wa Ḥujjat al-Khiṣām fi Ta‘yīn al-Imām min Ṭarīq al-Khāṣṣ wa al-‘Āmm*, edited by: Sayyid Ali ‘Āshūr, Qom: Ba‘that.
- Al-Balādhurī, Aḥmad ibn Yahyā (1956), *Futūḥ al-Buldān*, Egypt: Al-Nahḍa al-Miṣriyya.
- Al-Balādhurī, Aḥmad ibn Yahyā. 1417 AH. *Ansāb al-Ashraf*, Beirut: Dār al-Fikr.
- Barden, Lawrence. 1375 AH. *Content Analysis*, trans.: Muhammad Yamani Douzi Sorkhābi and Maliha Ashtiyani, Tehran: Shahīd Beheshti University.
- Al-Bayḍāwī, ‘Abdullāh ibn ‘Umar. 1418 AH. *Tafsīr al- Bayḍāwī*, Beirut: Dār Ihya’ al-Turāth al-‘Arabī.
- Al-Bukhārī, Muhammad ibn Ismā‘īl. 1410 AH. *Ṣaḥīḥ al- Bukhārī*, Egypt: Lajnat Ihya’ Kutub al-Sunna.
- D. Summers & Others. 1998. *Longman Dictionary of English Language and Culture*, England, Pearson.
- Al-Dhahabī, Shams al-Dīn. 1382 AH. *Mīzān al-I‘tidāl fi Naqd al-Rijāl*, Beirut: Dār al-Ma‘rifah.
- Al-Dhahabī, Shams al-Dīn. 1427 AH. *Siyar A‘lām al-Nubalā’*, ed.: Shu‘ayb Arnā‘ūt and ‘Alī Abū Zayd, Beirut: Al-Risālah.
- Al-Dīnawarī, Ibn Qutaybah. 1410 AH. *Al-Imāma wa al-Siyāsah al-Ma‘rūf bi Ṭarīkh al-Khulafā’*, ed.: ‘Alī Shīrī, Beirut: Dār al-Aḍwā’.
- F.E. Raitt & M.S. Zeedyk. 2001. *The Implicit Relation of Psychology and Law, Women and syndrome evidence*. USA & Canada. Taylor & Francis Inc.
- Al-Fakhr al-Rāzī, Muhammad ibn ‘Umar. 1358 AH. *Mafātīḥ al-Ghayb (al-Tafsīr al-Kabīr)*, Beirut: Dār Ihya’ al-Turāth al-‘Arabī.
- Faramarz Qaramaleki, Ahad. 1390 Sh. *Ravesh-shenāsi Motāle‘āt Dīnī (Methodology of Religious Studies)*, Mashhad: Razavi University of Islamic Sciences.
- G. Cipriani, M. Vedovello, A. Nuti, A. di Fiorino. (2012). “Dangerous passion: Ottello syndrome and dementia”. *Psychiatry and Clinical Neuroscience*. No 66: 467-473.

- Al-Hākim al-Nayshābūrī, Muhammad ibn ‘Abdullāh. n.d. *Al-Mustadrak ‘ala Al-Ṣaḥīḥayn*, Beirut: Dār Al-Fikr.
- Al-Hākim Haskānī, ‘Ubaydullāh ibn ‘Abdullāh. 1411 AH. *Shawāhid al-Tanzīl li-Qawā‘id al-Taḥḍīl*, Beirut: Al-A‘lamī li al-Maṭbū‘āt.
- Hosseini Dashti, Seyyed Mostafa. 1376 Sh. *Ma‘ārif va Ma‘ārif*, Qom: Dānesh.
- Ibn ‘Abd Rabbih, Shihāb al-Dīn. 1407 AH. *Al-‘Iqd al-Farīd*, ed.: Qumayḥa and Muhammad Mufīd, Beirut: Dār al-Kutub al-‘Ilmiyyah.
- Ibn Abī Ṭāhir. 1378 AH. *Balaghāt al-Nisā’*, Qom: Al-Ḥaydariya.
- Ibn al-Ḥajjāj, Muslim. 1412 AH. *Ṣaḥīḥ Muslim*, ed.: Muhammad Fu‘ād ‘Abd al-Bāqī, Egypt: Dār al-Ḥadīth.
- Ibn al-Jawzī, Yūsuf ibn Qazawghli. 1426 AH. *Tadhkirat al-Khawāṣṣ min al-Ummah bi Dhikr Khaṣā’iṣ al-A‘immah*, ed.: Hussein Taqīzādeh, Qom: Al-Majma‘ al-‘Ālamī li Ahl al-Bayt (The World Assembly of Ahl al-Bayt).
- Ibn Fāris, Abu al-Ḥusayn. 1399 AH. *Mu‘jam Maqāyīs al-Lugha*, ed.: ‘Abd al-Salām Muhammad Hārūn, Beirut: Dār al-Fikr.
- Ibn Hajar al-‘Asqalānī, Aḥmad ibn ‘Alī. 1379 AH. *Faṭḥ al-Bārī Sharḥ Ṣaḥīḥ al-Bukhārī*, Beirut: Dar al-Ma‘rifah.
- Ibn Ḥanbal, Aḥmad. 1416 AH. *Musnad Ibn Ḥanbal*, Beirut: Al-Resālah.
- Ibn Hishām, ‘Abd al-Malik ibn Hishām. n.d. *Al-Sīrah al-Nabawiyyah*, ed.: Muṣṭafā al-Saqqā’ et al, Beirut: Dār al-Ma‘rifah.
- Ibn Khaldūn, ‘Abd al-Raḥmān ibn Muhammad. 1408 AH. *Dīwān al-Mubtada’ wa al-Khabar fi Tārīkh al-‘Arab wa al-Barbar wa man ‘Āṣarahum min Dhawī al-Sha’n al-Akbar*, ed.: Khalīl Shahhadah, Beirut: Dār al-Fikr.
- Ibn Sa’d (scribe of Wāqidī), Muhammad. 1410 AH. *Al-Ṭabaqāt al-Kubrā*, Beirut: Dār Ṣādir.
- Kariminia, Morteza. 1386 Sh. *Sīra-Pazhūhī dar Gharb* (Life and Conduct Studies in the West: Selected Texts and Sources), Tehran: Majma‘ Jahāni Taqrīb Madhāhib Islāmi (World Assembly for Proximity of Islamic Schools of Thought).
- Al-Khārazmī, Muwaffaq ibn Aḥmad. 1423 AH. *Maqṭal al-Ḥusayn (AS)*, Qom: Anwār al-Hudā.
- Krippendorff, Klaus. 1390 Sh. *Content Analysis: An Introduction to its Methodology*, trans. [entitled: *Taḥlīl Moḥtavā: Mabānī Ravesh-shenāsī*] by: Houshang Nayeby, Tehran: Ney.

- Al-Kulaynī, Muhammad ibn Ya'qūb. 1363 Sh. Al-Kafī, Qom: Dār al-Kutub al-Islāmiyya.
- L.C, Garro. 2000. Remembering What One Knows and the Construction of the Past: A Comparison of Cultural Consensus Theory and Cultural Schema Theory. *Ethos*: Volume 28, No. 3: 275-319.
- Al-Majlisī, Muhammad Bāqir. 1363 Sh. Biḥār al-Anwār al-Jāmi'a li Durar Akhbār al-A'imma al-Aṭḥār, Tehran: al-Islāmiyya.
- Al-Mas'ūdī, 'Alī ibn al-Ḥusayn. 1426 AH. Ithbāt al-Waṣiyya li al-Imam 'Alī ibn Abī Ṭālib, Qom: Ansāriyān.
- Otto, Rudolf. 1380 Sh. The Idea of the Holy (An Inquiry into the Non-Rational Factor in the Idea of the Divine and its Relation to the Rational), trans. Homayoun Hemmati, Tehran: Naqsh-e Jahān.
- R. Roded. 2018). Women in Islamic Biographical Collection: From Ibn Sa'd to Who's Who. USA. Gorgias. (URL: <https://huji.academia.edu/Roded>)
- Safari Foroushani, Ne'matollah. 1385 AH. "Husayn ibn 'Abdul Wahhāb wa 'Uyūn al-Mu'jizāt", *Ulūm Ḥadīth*, No. 4: 156-168.
- Al-Sayyid Lasheen, Faṭḥī. 1430 AH. Al-Shi'a wa Al-Tashayyu', Beirut: Al-Baṣā'ir li al-Buḥūth wa al-Dirāsāt.
- Al-Suyūfī, Jalāl al-Dīn. 1432 AH. Al-Durr Al-Manthūr fi Tafsīr al-Ma'thūr, Beirut: Dār al-Fikr.
- Shaykh al-Ṣadūq, Abū Ja'far Muhammad ibn 'Alī. 1378 AH. 'Uyūn Akhbār Al-Riḍā (AS), Tehran: Jahān.
- Shaykh al-Ṣadūq, Abū Ja'far Muhammad ibn 'Alī. 1403 AH. Al-Khiṣāl, Qom: Mu'assasat a-Nashr al-Islāmī.
- Shaykh al-Ṣadūq, Abū Ja'far Muhammad ibn 'Alī. 1404 AH. Kamāl al-Dīn wa Tamām al-Ni'mah, Qom: Mu'assasat al-Nashr al-Islāmī.
- Shaykh al-Ṭūsī, Abū Ja'far Muhammad ibn Ḥasan. 1414 AH. Al-Amālī, Qom: Dār al-Thaqāfa.
- Ṭabāṭabā'ī, Sayyid Muhammad Ḥusayn. n.d. Al-Mīzān fi Tafsīr al-Qur'ān, Beirut: Al-A'lamī lil-Maṭbū'āt.
- Al-Ṭabarānī, Sulaymān ibn Aḥmad. 1404 AH. Al-Mu'jam Al-Kabīr, Beirut: Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī.

- Al-Ṭabarī, Muhammad ibn Jarīr ibn Rustam. 1383 AH. *Dalā'il al-Imāma*, Qom: Dār al-Dhakhā'ir.
- Al-Ṭabarī, Muhammad ibn Jarīr. 1387 AH. *Tārīkh al-Ṭabarī*, Beirut: Al-A'lamī lil-Maṭbū'āt.
- Al-Ṭabarī, Muhammad ibn Jarīr. 1412 AH. *Jāmi' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'ān*, Beirut: Dār al-Ma'rifah.
- Al-Ṭabrisī, Faḍl ibn Ḥasan. 1372 AH. *Majma' al-Bayān fī Tafsīr al-Qur'ān*, ed.: Fazlullah Tabatabai
- Al-Ṭabrisī, Faḍl ibn Ḥasan. n.d. *I'lām al-Warā bi-A'lām al-Hudā*, Tehran: Dār al-Kutub al-Islāmiyya.
- Al-Tha'labī, Abū Ishāq Aḥmad ibn Muhammad. 1422 AH. *Al-Kashf wal-Bayān*. Beirut: Dār Ihya' al-Turāth al-'Arabī.
- Al-Tirmidhī, Muhammad ibn 'Isā. 1419 AH. *Sunan al-Tirmidhī*, Egypt: Dār al-Ḥadīth.
- Al-Wāqidī, Muhammad ibn 'Umar. 1989), *Al-Maghāzī*, ed.: Marsden Jones, Beirut: Al-Al'amī li al-Maṭbū'āt.
- Al-Ya'qūbī, Aḥmad ibn Ishāq. n.d. *Tarikh al-Ya'qūbī*, Beirut: Dār Ṣādir.